

حکم حکومتی تشکیل سازمان "امر به معروف و نهی از منکر"

گزارشی تحلیلی از تاریخ معاصر، به دنبال راهکاری در عرصه عدالت خواهی امروز

حمیدرضا باقری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۳.....	مقدمه
۱۱.....	وعده تشکیل سازمان
۱۴.....	نقش روحانیت در حکومت اسلامی در منظر شهید مطهری
۲۰.....	نقش روحانیون در حکومت اسلامی از منظر امام خمینی(ره)
۲۳.....	حکم تشکیل سازمان امر به معروف و نهی از منکر
۲۴.....	بحث تاریخی این سازمان از شهید مطهری
۳۰.....	وظیفه علما در امر به معروف و نهی از منکر
۳۵.....	عمده وظیفه امر به معروف و نهی از منکر
۳۷.....	عدم تشکیل سازمان امر به معروف و نهی از منکر

امروزه با پارادوکس‌هایی در عرصه تحقق دین مواجه شده‌ایم. از سویی از بزرگ‌ترین واجبات دین "امر به معروف و نهی از منکر" است،^۱ و خداوند در قرآن تصریح می‌کند که "باید گروهی باشند که مردم را دعوت به نیکی می‌کنند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند."^۲ و از سویی نهادی برای تولی این امر در جامعه تعبیه نشده است، نهادی که از افراد عالم به معروف و منکر و روش‌های امر به معروف و نهی از منکر و با قدرت قانونی برای تحقق این مهم تشکیل شده باشد.

^۱ امیرالمؤمنین در مقایسه همه اعمال نیک حتی جهاد در راه خدا در مقابل امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید: همه آنها مانند تفی در مقابل یک دریای موج هستند. «وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفُتَةٍ فِي بَحْرِ لُجِّي» شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، ۱ جلد، هجرت - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق؛ ص ۵۴۲

^۲ باید از میان شما، گروهی، [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند، و آنان همان رستگارانند. «وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱۰۴ آل عمران)»

متاسفانه در اوایل انقلاب آنچه به مقوله امر به معروف و نهی از منکر و در واقع صرفاً نهی از منکر پرداخته شد، توسط جریان‌های تند چپ و در مقوله‌هایی چون: حجاب و امور فردی بود و حال آنکه به شهادت قرآن در آیه "۶۳ المائدة"، متصدیان اصلی امر به معروف و نهی از منکر "روحانیون" و موارد اصلی "نهی از منکر" در موضوع "جریان‌های حرام خواری و دروغ‌پردازی" می‌بایست باشد.^۳ به تعبیر حضرت امام (ره) در مورد این آیه:

[آیه] با اینکه باید از همهٔ اموری که مخالف شرع است نهی کرد، روی «قول اثم»، یعنی دروغ‌پردازی و «اکل سحت»، یعنی حرام‌خوری تکیه کرده است تا بفهماند که این دو «منکر» از همهٔ منکرات خطرناکتر است؛ و بایستی بیشتر مورد مخالفت

^۳ خداوند در این آیه روحانیونی که با دیدن جریان‌های حرام خواری و دروغ‌پردازی سکوت کرده‌اند را توبیخ می‌کند که حجت آنها برای سکوت چه بود؟

«لَوْ لَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَ أَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» چرا روحانیون و دانشمندان، آنان را از گفتار گناه [آلود] و حرام‌خواری‌شان باز نمی‌دارند؟ راستی چه بد است آنچه انجام می‌دادند.

و مبارزه قرار گیرد.^۴ ما امر به معروف و نهی از منکر را در دایره کوچکی قرار داده، و به مواردی که ضررش برای خود افرادی است که مرتکب می‌شوند، یا ترک می‌کنند، محصور ساخته‌ایم در اذهان ما فرو رفته که «منکرات» فقط همین‌هایی هستند که هر روز می‌بینیم یا می‌شنویم. مثلاً اگر در اتوبوس نشسته‌ایم، موسیقی گرفتند، یا فلان قهوه‌خانه کار خلافی را مرتکب شد، یا در وسط بازار کسی روزه خورد، منکرات می‌باشند، و باید از آن نهی کرد. ولی به آن منکرات بزرگ توجه نداریم. آن مردمی را که دارند حیثیت اسلام را از بین می‌برند، حقوق ضعفا را پایمال می‌کنند... امر به معروف و نهی از منکر برای این امور مهم است.^۵

از جمله موارد دیگر که در عرصه "عدالت خواهی" و "امر به معروف و نهی از منکر" همواره مغفول واقع شده است، لزوم ورود کارشناسی و استفاده از ظرفیت‌های ساختاری^۶ برای

^۴ ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، ص: ۱۰۷.

^۵ ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، ص: ۱۲۲.

^۶ متأسفانه برخی جریان‌های دانش‌جویی بدون توجه به ظرفیت‌های قانونی کشور که به واسطه حاکمیت انقلاب اسلامی پدید آمده است همواره برای مبارزه با فساد و ایجاد اصلاح اجتماعی روش‌هایی مبتنی بر احساس و هیجانات را اتخاذ می‌نمایند روش‌هایی که حتی در زمان

پی گیری حسن اجرای عدالت و احکام اسلامی بوده است، امری که مستلزم وجود نیروهایی سازمان یافته و مطلع می باشد. در حدیثی موثق و معتبر از کتاب کافی نقل شده است:

«از امام صادق(ع) سوال شد: آیا امر به معروف و نهی از منکر بر همه امت واجب است؟ حضرت پاسخ دادند: خیر بر قلبی از آنها واجب است. گفتند چرا؟ حضرت پاسخ دادند امر به معروف و نهی از منکر از فرد "قوی اطاعت شونده و عالم به معروف از منکر، واجب است^۷ و نه ضعیفی که راه آن را نمی داند که چه چیزی به چه چیزی است، [عالم به منکر و معروف و روش های آن نیست] و از حق به سوی باطل می رود.^۸ دلیل این سخن نیز

طاغوت نیز چندان راهگشا نبود و تقد این مقوله خود به فرصتی مجزا نیازمند است.

^۷ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ وَ سُئِلَ عَنِ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ أ وَاجِبٌ هُوَ عَلَى الْأُمَّةِ جَمِيعًا فَقَالَ لَا فَقِيلَ لَهُ وَ لِمَ قَالَ إِنَّمَا هُوَ عَلَى الْقَوِيِّ الْمُطَاعِ الْعَالِمِ بِالْمَعْرُوفِ مِنَ الْمُنْكَرِ
^۸ لَا عَلَى الضَّعِيفِ الَّذِي لَا يَهْتَدِي سَبِيلًا إِلَى أَيِّ مِنْ أَيِّ يَقُولُ مِنَ الْحَقِّ إِلَى الْبَاطِلِ

کتاب خدا است که می‌گوید: «از میان شما گروهی باشند که دعوت به خیر می‌کنند و امر به معروف و نهی از منکر» این کلام [وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ] خاص است نه عام مثل این کلام که در قرآن می‌گوید: «و از میان قوم موسی جماعتی هستند که به حق راهنمایی می‌کنند و به حق داوری می‌نمایند.»^۹ [اگرچه هدایت به سوی حق، امر لازمی برای همه قوم و امت موسی بود اما] این امر را نه به همه قوم موسی فرمود و نه به همه امت موسی فرمود. درحالی که آن روز آنها گروه‌های مختلفی بودند و امت به معنای یک نفر و بیش از آن آمده است، آن‌جا که خداوند عز و جل می‌فرماید: «در واقع ابراهیم یک امت بود و از خداوند

^۹ وَالذَّلِيلُ عَلَى ذَلِكَ كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَوْلُهُ «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» فَهَذَا خَاصٌّ غَيْرُ عَامٍّ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - «وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ»

اطاعت می‌کرد»^{۱۰} [ادامه روایت^{۱۱}] تا اینکه راوی از امام صادق (علیه السلام) می‌پرسد معنای این حدیث که از پیامبر (صلی الله علیه و اله) وارد شده است: «در واقع، با فضیلت‌ترین جهاد، سخن عدلی است که نزد پیشوایی جائز و ستمگر گفته شود» چیست؟^{۱۲} حضرت پاسخ می‌دهند: معنای این سخن چنین است که وقتی فهمید به

۱۰ وَ لَمْ يَقُلْ عَلَى أُمَّةٍ مُوسَىٰ وَ لَأَ عَلَىٰ كُلِّ قَوْمٍ وَ هُمْ يَوْمِنَا أُمَّةٌ مُّخْتَلِفَةٌ وَ الْأُمَّةُ وَاحِدَةٌ فَصَاعِدًا كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ»

۱۱ در ادامه روایت حضرت (ع) می‌فرمایند: او نسبت خداوند عز و جل مطیع بود. البته در این زمان که ما با ستمکاران در حال صلح و آتش‌بس هستیم بر دانایی اگر توان ندارد و بهانه‌ای ندارد و کسی نیز از او فرمان نمی‌برد حرجی نیست و لازم نیست. «يَقُولُ مُطِيعًا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَيْسَ عَلَيَّ مَنْ يَعْلَمُ ذَلِكَ فِي هَذِهِ الْهُدْنَةِ مِنْ حَرَجٍ إِذَا كَانَ لَنَا قُوَّةٌ لَهُ وَ لَأَ عُذْرٌ وَ لَأَ طَاعَةٌ»

۱۲ قَالَ مَسْعُودٌ وَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ وَ سُئِلَ عَنِ الْحَدِيثِ الَّذِي جَاءَ عَنِ النَّبِيِّ ص إِنَّ أَفْضَلَ الْجِهَادِ كَلِمَةُ عَدْلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ مَا مَعْنَاهُ؟

آن جائز دستور بدهد (و امر به حق کند)، به شرطی که او

نیز بپذیرد، و گرنه چنین رفتار نکند.^{۱۳}

در این حدیث تاکید می‌شود که اولاً برای امر به معروف و نهی از منکر گروهی از امت که علم و قدرت لازم را دارند باید اقدام نمایند.^{۱۴} و ثانیاً مهم‌ترین مرتبه از امر به معروف سخن حقی است که در مقابل مقامات ظالم گفته می‌شود.

^{۱۳} قَالَ هَذَا عَلَىٰ أَنْ يَأْمُرَهُ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ وَ هُوَ مَعَ ذَلِكَ يُقْبَلُ مِنْهُ وَ إِلَّا فَلَا.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامية)، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق؛ ج ۵؛ ص ۵۹.

^{۱۴} فقها از این حدیث برای اثبات شرط قدرت و علم در "امر به معروف و نهی از منکر" استفاده می‌نمایند که اگرچه مطلب صحیحی است اما باید توجه داشت که از طرفی صرفاً "امر به معروف و نهی از منکر" را به صورت عمومی تعریف نمودن و معلق کردن آن به شرط قدرت و علم که در عمده مردم و حتی طلاب و علما نیز معمولاً مجموع دو شرط وجود ندارد، به تعطیل شدن این مهم و یا محدود شدن آن به تذکرات لسانی منتهی می‌گردد، حال آنکه با بررسی روایات در موضوع امر به معروف و نهی از منکر و آثار بسیار عظیمی که بر آن بار می‌گردد به نظر می‌آید همانطور که در آیه و ابتدای روایت مذکور اشاره شده است نیاز به وجود تشکیلاتی با حضور افراد عالم و قدرت قانونی و با لحاظ اولویتهای مذکور در حسن اجرای اسلام و عدالت می‌باشد که نتیجه آن تحقق آثار عظیمه مذکور در روایات شود.

اگرچه تنها نهادی که از قبل از پیروزی انقلاب وعده تشکیل آن توسط حضرت امام(ره) داده شد "وزارت امر به معروف و نهی از منکر" بود و اگرچه حضرت امام حکم حکومتی تشکیل این نهاد را صادر نمودند اما این نهاد هیچ گاه تشکیل نشد.^{۱۵}

نهادی که یکی از مهم‌ترین کارکردهای روحانیت در ارتباط با حاکمیت، مربوط به آن بود و با تشکیل آن روحانیت می‌توانست به عنوان مدعی العموم و پناه‌گاه مردم و ناظری بر حسن اجرای اسلام و عدالت با قدرت قانونی و به صورت تخصصی در عرصه‌های مختلف نقش ایفا نماید. در این جزوه به گفت و شنودهای ابتدای انقلاب حول این موضوع و ابعاد مرتبط با آن خواهیم پرداخت.

^{۱۵} متأسفانه به علت مشکلات عدیده ابتدای انقلاب این مساله رو به فراموشی رفت و در مواد قانون اساسی نیز "امر به معروف و نهی از منکر" صرفاً به عنوان وظیفه‌ای عمومی و به نحو لسانی در اصل ۸ قانون اساسی تعبیه گردید: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت، شرائط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»

وعده تشکیل سازمان

حضرت امام(ره) با ورود خود به ایران و بعد گذشت کمتر از یک ماه از پیروزی انقلاب به صورت رسمی وعده تشکیل سازمان "امر به معروف و نهی از منکر" را می‌دهند و پیرامون اهداف و ضرورت این نهاد می‌فرمایند:

ما مبارزه با فساد را با دایره "امر به معروف و نهی از منکر" که یک وزارتخانه مستقل بدون پیوستگی به دولت، با یک همچو وزارتخانه‌ای که تأسیس خواهد شد، ان شاء الله مبارزه با فساد می‌کنیم؛ فحشا را قطع می‌کنیم؛ مطبوعات را اصلاح می‌کنیم؛ رادیو را اصلاح می‌کنیم؛ تلویزیون را اصلاح می‌کنیم؛ سینماها را اصلاح می‌کنیم. تمام اینها به فرم اسلام باید باشد. تبلیغات تبلیغات اسلامی، وزارتخانه‌ها وزارتخانه‌های اسلامی، احکام احکام اسلام. حدود اسلام را جاری می‌کنیم؛ خوف از اینکه غرب نمی‌پسندد نمی‌کنیم.^{۱۶}

از میان نهادهای شکل گرفته بعد از انقلاب همچون: سپاه، جهاد سازندگی^{۱۷}، کمیته امداد، کمیته‌های انقلاب، دادگاه‌های انقلاب و...

^{۱۶} صحیفه امام ج ۶ ص: ۲۷۴ زمان: ۱۰ اسفند ۱۳۵۷

^{۱۷} برای مثال در موضوع شکل‌گیری جهاد جمعی از دانشجویان نزد حضرت امام رفته و با توجه به ضرورت رسیدگی هرچه سریع‌تر به محرومان جامعه، مدل

وعدۀ تشکیل هیچ کدام، از سوی امام یا روحانیون قبل از انقلاب، مطرح نشده بود و به مرور زمان باتوجه به نیازهای پیش آمده این نهادها شکل گرفتند، اما "دائرة امر به معروف و نهی از منکر" سالها بود که بحث آن در حوزه های علمیه مطرح شده و مسلم بود که یکی از ساختارهای لازم در حکومت اسلامی بعد از انقلاب دائره ای به این نام خواهد بود.

سازمانی که برای نظارت بر بخش های مختلف حکومت در درستی اجرای قوانین اسلامی با اختیارات قانونی در نظر گرفته شده بود.^{۱۸} در

انقلابی جهاد سازندگی را به حضرت امام پیشنهاد می کنند و حضرت امام نیز با استقبال از این روحیه، دستور تشکیل جهاد را صادر می نمایند. ر.ب: صحیفه امام، ج ۸، ص: ۱۴۸.

^{۱۸} حضرت امام (ره) در کتاب چهل حدیث در مورد این سازمان می فرماید: اداره امر به معروف و نهی از منکر و اجرای حدود و تعزیرات و سایر سیاسات دینی و عقلیه نشود جز در سایه قوه شریفه غضبیه، پس آنها که گمان کردند کشتن قوه غضب و خاموش کردن آن از کمالات و معارج نفس است، خود خطایی بزرگ و خطیۀ عظیمه ای کردند و از حد کمال و مقام اعتدال غافل اند. بیچاره ها ندانند که خدای تبارک و تعالی در جمیع سلسله حیوانات این قوه شریفه را عبث خلق نفرموده و در بنی آدم این قوه را سرمایه زندگانی ملکی و ملکوتی و مفتاح خیرات و برکات قرار داده. جهاد با اعداء دین و حفظ نظام عایله بشر و ذب از جان و مال و ناموس و سایر نوامیس الهیه، و جهاد با نفس که اعدا عدو انسان است صورت نگیرد مگر به این قوه شریفه. ر.ب: شرح چهل حدیث، ص: ۱۳۴.

کتابچه "حکومت اسلامی" فدائیان اسلام که می‌توان آن را اولین نسخه^{۱۹} از الگوی پیشنهادی ساختار یک حکومت اسلامی در تاریخ معاصر، محسوب نمود این نهاد از جمله نهادهای تحت نظارت روحانیت به شمار می‌رود.^{۲۰}

با پیروزی انقلاب در ضرورت وجود این نهاد و کم و کیف آن بحث‌هایی مطرح می‌گردد، در اندیشه کسانی چون شهید مطهری ابعاد این نهاد بیشتر به موارد ارشادی محدود بود:

در روزنامه‌ها خواندید و همیشه جزو طرح‌های امام است، اصرار می‌کنند که باید ما یک دایره امر به معروف و نهی از منکر مستقل از دولت (حتی همین دولت جمهوری اسلامی) و وابسته به روحانیت تشکیل بدهیم. الان از بس رفتاری‌های دیگر زیاد است، فعلاً به این مسئله نمی‌رسند و الا در برنامه هست. باید دایره عظیم و وسیعی به نام امر به معروف و نهی از منکر یعنی دایره ارشاد، هدایت و راهنمایی مردم، دایره تبلیغ اسلام، دایره

^{۱۹} قبل از این کتابچه حضرت امام در بخش‌های زیادی از کشف اسرار مباحث مربوط به ساختار حکومت اسلامی را ارائه نموده بودند اما با این وجود ایشان در این کتاب در مقام ارائه یک الگو برای تشکیل حکومت اسلامی نبودند و مباحث این کتاب را طردا للباب برای پاسخ به شبهات آورده بودند.

^{۲۰} کتابچه جامعه و حکومت اسلامی فدائیان اسلام، تدوین حجت‌الاسلام خسروشاهی، ص: ۲۱۹.

رفع شبهات از مردم، دایره ساختن اسلامی مردم به وجود بیاید ولی وابسته به روحانیت باشد و مستقل از دولت، حتی دولت اسلامی و این بسیار طرح عالی و فکر خوبی است؛ هم این که روحانیت تا حد امکان نباید جزو دولت بشود ولو دولت اسلامی و هم این که باید روحانیت زمام امر به معروف و نهی از منکر و در حقیقت ارشاد و هدایت مردم و تأمین معنویت مردم را بر عهده بگیرد. این وظیفه روحانیت است.^{۲۱}

نقش روحانیت در حکومت اسلامی در منظر شهید

مطهری

استاد مطهری در یک مصاحبه مطبوعاتی برای روشن تر نمودن ابعاد سازمان "امر به معروف و نهی از منکر" و نقش روحانیت در این نهاد توضیح می دهند:

آنچه ایشان [حضرت امام(ره)] فرمودند وزارت امر به معروف نیست، اگر اسمش را وزارت بخواهیم بگذاریم، معنایش این است که دستگاهی وابسته به دولت باشد و از بودجه دولت استفاده کند و قهراً تحت مقررات و ضوابط دولتی باشد و زیر نظر نخست وزیر وقت و وزیری که از ناحیه نخست وزیر تعیین می شود، بلکه مقصودشان یک مؤسسه مستقل و وابسته به

^{۲۱} مجموعه آثار استاد شهید مطهری ج ۲۴ ص: ۲۷۵

روحانیت است و این نظریه بر اساس نظریه دیگری است که ایشان درباره روحانیت دارند که روحانیت باید مستقل بماند همچنان که در گذشته مستقل بوده است، و نهضت‌هایی که روحانیت کرده به دلیل مستقل بودنش بوده. این که روحانیت شیعه توفیق پیدا کرده که چندین نهضت و انقلاب را در صد ساله اخیر رهبری کند به دلیل استقلالش از دستگاه‌های حاکمه وقت بوده. حالا هم که حکومت، حکومت اسلامی می‌شود، با این که حکومت اسلامی است، ایشان معتقدند که روحانیت باید مستقل و به صورت مردمی مانند همیشه باقی بماند و روحانیت آمیخته با دولت نشود.^{۲۲} ایشان با این امر که

^{۲۲} همانطور که در ادامه برخی سخنان حضرت امام(ره) در این زمینه ذکر خواهد شد، ملاک اصلی حضرت امام(ره) برای عدم ورود روحانیت به عرصه‌های حاکمیتی اولاً وجود نیروهای قابل اعتماد و توانمند در کارکردهای غیراختصاصی روحانیت و پرهیز از مشوب شدن اذهان عمومی در مورد انگیزه‌های روحانیت برای نهضت بوده است و چنین نبوده است که ایشان به استقلاله مخالف حضور روحانیت در عرصه‌های حاکمیتی انقلاب بوده‌اند. به طور مثال ایشان می‌فرمایند: این مطلب را بارها گفته‌ام که روحانیون باید وضعی ارشادی داشته باشند، نه اینکه بخواهند حکومت کنند. کاری نباید بکنیم که مردم بگویند اینها دستشان به جایی نمی‌رسید، حالا که رسید دیدید این طور شدند. استبداد دینی خود تهمتی است که از کنارش نباید گذشت. رادیوها مرتب از آن سخن

روحانیت به طور کلی وابسته به دولت شود- آنچنان که روحانیت اهل تسنن هست- به شدت مخالفند ولو در دوره حکومت اسلامی، و نیز با این امر که روحانین بایند جزء دولت شوند و پست‌های دولتی را رسماً اشغال کنند مخالفند. این کارهایی که بالفعل کمیته‌ها دارند که در رأس کمیته‌ها غالباً روحانین قرار گرفته‌اند، یک امر اضطراری و اجباری است؛ یعنی در شرایطی که قوای انتظامی از هم پاشیده شد و تنها قوه و قدرت‌ها در مساجد باقی ماند و افراد مسلمان سلاح‌ها را در دست گرفتند، چون این افراد جز از روحانین محل از کس دیگر معمولاً اطاعت نمی‌کردند، خود به خود بدون این که طرحی برایش ریخته شده باشد به جای مراکز انتظامی و کلاتری‌ها و... کمیته‌ها به‌وجود آمد و از اول هم این مطلب عنوان شد و همیشه گفته شده، امروز هم گفته می‌شود که وجود کمیته‌ها موقت است و باید هرچه زودتر و هرچه بهتر باز دستگاه‌های انتظامی دولتی بایند مشغول کارشان بشوند و کمیته‌ها پست‌ها را تحویل آنها بدهند.

می‌گویند و ما را به خودکامگی متهم می‌کنند. روحانین نباید کاری کنند که شاهد دست دشمن بدهند. دخالت ما باید نهی از منکر و امر به معروف باشد... صحیفه امام، ج ۱۹، ص: ۴۲.

به هر حال روحانیت نه به طور مجموعه و دستگاه روحانیت باید وابسته به دولت شود و نه افرادی از روحانین بیایند پست‌های دولتی را به جای دیگران اشغال کنند، بلکه روحانیت باید همان پست خودش را که ارشاد، هدایت، نظارت و مبارزه با انحرافات حکومت‌ها و دولت‌هاست حفظ کند. در آینده هم همین پست را باید حفظ کند. البته این به معنی تحریم نیست، به معنی پیشنهاد است. ممکن است زمانی ضرورت ایجاب کند که یک فرد روحانی معینی چون کس دیگری نیست، یک پست دولتی را اشغال کند، دیگر نمی‌گوییم چون بر روحانین تحریم شده نباید چنین بشود. مثلاً پست وزارت آموزش و پرورش را در نظر می‌گیریم. اگر در شرایطی قرار بگیریم که اتفاقاً یک فرد غیر روحانی صالحی برای تصدی این پست نباشد ولی افراد صالح روحانی که ضمناً تجربه در کار آموزش و پرورش هم زیاد دارند و بهتر از دیگران می‌توانند انجام دهند وجود داشته باشند، دیگر نباید گفت که اینها به دلیل این که روحانی‌اند نباید متصدی این پست شوند، بر اینها تحریم شده، بلکه معنای مطلب این است که در شرایطی که روحانی و غیر روحانی هر دو وجود دارند و غیر روحانی در شرایطی مساوی با روحانی وجود دارد تا چه رسد که در شرایط بهتر وجود داشته باشد، اولویت با غیر روحانی است.

"مؤسسه امر به معروف و نهی از منکر" یعنی همان کاری که روحانیین باید انجام دهند ولی با تشکیلات، تا حالا هم امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند ولی به وسیله منابر و سخنرانی‌ها و مقاله‌ها که یک کار ناقصی بود. این کار می‌خواهد به صورت یک تشکیلات منظم در بیاید که تمام مملکت را بپوشاند؛ اصلا امر به معروف کلاس داشته باشد، افرادی آموزش ببینند، هر کسی که چهار تا منبر یاد گرفت به خودش حق ندهد که برود امر به معروف و نهی از منکر کند. آن کسی که می‌خواهد امر به معروف و نهی از منکر کند باید کلاس ببیند و یاد بگیرد و برای این کار مجاز باشد، و محدود باشد به طوری که آن کسی که در یک رشته می‌تواند امر به معروف و نهی از منکر کند و نه در رشته دیگری، از حد خودش تجاوز نکند. بعلاوه همه مراکز امر به معروف و نهی از منکر - که باید تمام کشور را بپوشاند - با یکدیگر در ارتباط باشند و از یک مرکز دستور بگیرند و یک نوع هماهنگی و در حقیقت یک نوع پرورش دینی و مذهبی هماهنگ وجود داشته باشد. البته خود امر به معروف و نهی از منکر به حسب اصل قانون می‌تواند قدرت اجرایی هم داشته باشد ولی فعلا جزء این طرح

نیست،^{۲۳} چون قرار است طرح دیگری - که این را هم لابد شنیده‌اید - اجرا شود و آن این است که یک ارتش ملی اسلامی به وجود بیاید - و هسته‌اش شکل گرفته - به نام پاسداران انقلاب که آنها باید تربیت اسلامی و نظامی پیدا کنند و از نظر ایدئولوژیک تعلیمات ببینند. این در کنار امر به معروف و نهی از منکر خواهد بود. احیاناً یک رابطه‌ای هم میان اینها عنداللزوم برقرار شود مانعی ندارد ولی فعلاً جزء طرح نیست، یعنی فعلاً آنهایی که قدرت اجرایی دارند به صورت یک دستگاه مستقل - که الان شروع به کار هم کرده‌اند - وجود دارند.^{۲۴}

از جمله شخصیت‌های مؤثری که شکل‌گیری "سازمان امر به معروف و نهی از منکر" را پیگیری می‌نمودند استاد مطهری بودند اما با شهادت ایشان اجرای این رسالت ناتمام ماند، در کاغذی که هنگام شهادت استاد

^{۲۳} البته برخلاف توضیحات استاد مطهری در این مصاحبه با توجه به حکم حضرت امام در مورد تشکیل این نهاد که در ادامه می‌آید و همچنین خود مباحث تاریخی اداره حسبه در کلمات استاد مطهری و نیز مباحث فقهی این نهاد که به طور مثال در کتاب حکومت اسلامی آیت‌الله منتظری آمده است، قدرت قانونی برای اجرا و پی‌گیری "امر به معروف و نهی از منکر" یکی از لوازم اصلی مدنظر برای این نهاد بوده است.

^{۲۴} مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۴، صص: ۳۱۱-۳۱۵.

در جیب ایشان یافت می‌شود، یکی از عناوین یادداشت شده برای مطرح ساختن با حضرت امام، بحث این دایره بوده است.^{۲۵}

نقش روحانیون در حکومت اسلامی از منظر امام

خمینی(ره)

حضرت امام از قبل از پیروزی انقلاب جایگاه روحانیون در حکومت را جایگاه "نظارتی و امر به معروف و نهی از منکر" مشخص می‌نمایند، ایشان در یک مصاحبه مطبوعاتی که در فرانسه با ایشان صورت می‌گیرد، می‌فرمایند:

اینهایی که می‌گویند روحانیت باید دخالت نداشته باشد، نمی‌فهمند. یا می‌فهمند و مردم را اغفال می‌کنند. این اشتباه است. روحانیت نظارت بر اوضاع دارد. کارها دست کارشناس‌های غیر روحانی است. روحانیون نظارتی بر امور دارند که غلط‌کاری نشود. یک وقت کودتا نشود، یک وقت ظلم به مردم نشود. روحانیت می‌خواهد جلو غارتگری و ستم و دزدی را بگیرد.^{۲۶}

^{۲۵} شیخ شهید، مجموعه‌ای مصور از زندگانی استاد شهید مطهری همراه با نامه تاریخی استاد مطهری(ره) به امام خمینی(ره)، چ هفتم، انتشارات صدرا، ۱۳۸۵ش، ص: ۴۹.

^{۲۶} صحیفه امام، ج ۱۱، ص: ۱۶۲.

ایشان بعد از پیروزی انقلاب نیز در مصاحبه‌های مختلفی بر این رأی خود باقی ماندند، اما مدتی پس از پیروزی انقلاب به این نتیجه رسیدند که در عمل علاوه بر نظارت روحانیون بر دولت در مواردی که با نبود نیروی متعهد مواجه هستند، نیاز به ورود روحانیون به مسائل حاکمیتی می‌باشد:

ما از حرفی که در مصاحبه‌ها گفتیم، عدول کردیم و موقتاً تا آن وقتی که این کشور را غیر روحانی می‌تواند اداره کند، آقایان روحانیون به ارشاد خودشان و به مقام خودشان برمی‌گردند و محول می‌کنند دستگاه‌های اجرایی را به کسانی که برای اسلام دارند کار می‌کنند هر چه می‌خواهند به ما بگویند، بگویند که کشور ملایان، حکومت آخوندیسم و از این حرفهائی که می‌زنند. و البته این هم یک حربه‌ای است برای اینکه ما را از میدان به در کنند. ما نه، از میدان بیرون نمی‌رویم.^{۲۷} آنچه مهم است این است که ما می‌خواهیم مطابق شرع اسلام مسائل را پیاده کنیم. پس اگر قبلاً اشتباه کرده

^{۲۷} صحیفه نور ج ۱۶ ص ۲۱۱-۲۱۲.

باشیم باید صریحاً بگوییم اشتباه نموده‌ایم. و عدول در بین فقها از فتوایی به فتوای دیگر درست همین معنا را دارد. وقتی فقیهی از فتوای خود برمی‌گردد یعنی من در این مسأله اشتباه نموده‌ام و به اشتباهم اقرار می‌کنم.... ما که معصوم نیستیم. پیش از انقلاب من خیال می‌کردم وقتی انقلاب پیروز شد افراد صالحی هستند که کارها را طبق اسلام عمل کنند، لذا بارها گفتم روحانیون می‌روند کارهای خودشان را انجام می‌دهند. بعد دیدم خیر، اکثر آنها افراد ناصالحی بودند و دیدم حرفی که زده‌ام درست نبوده است، آمدم صریحاً اعلام کردم من اشتباه کرده‌ام. این برای این است که ما می‌خواهیم اسلام را پیاده کنیم. پس در این رابطه ممکن است من دیروز حرفی را زده باشم و امروز حرف دیگری را و فردا حرف دیگری را، این معنا ندارد که من بگویم چون دیروز حرفی زده‌ام باید روی همان حرف باقی بمانم امروز می‌گویم ما دام که احکام اسلام پیاده نشده است و افراد صالحی نداشتیم تا طبق اسلام عمل کنند، علما باید مشغول به کارهایشان

باشند. این شأنی برای علما نیست که ریاست جمهوری و
یا پست دیگری را داشته باشند. چون وظیفه است به این
کارها می‌پردازند. خلاصه یک چیز را نباید فراموش کنیم
که همه می‌خواهیم اسلام پیاده شود.^{۲۸}

حکم تشکیل سازمان امر به معروف و نهی از منکر

حضرت امام در همان روزهای بعد از شهادت استاد در بهار ۱۳۵۸ رسماً
حکم تشکیل "سازمان امر به معروف و نهی از منکر" را خطاب به
مهندس بازرگان صادر می‌نمایند:

بسم الله الرحمن الرحيم

شورای انقلاب اسلامی به موجب این مرقوم مأموریت دارد که
اداره‌ای به اسم «امر به معروف و نهی از منکر» در مرکز تأسیس
نماید؛ و شعبه‌های آن در تمام کشور گسترش پیدا کند؛ و این
اداره، مستقل و در کنار دولت انقلابی اسلامی است و ناظر به
اعمال دولت و ادارات دولتی و تمام اقشار ملت است. و دولت
انقلاب اسلامی مأمور است که اوامر صادره از این اداره را اجرا
نماید و این اداره مأمور است که در سراسر کشور از منکرات
به هر صورت که باشد جلوگیری نماید و حدود شرعیه را تحت
نظر حاکم شرعی یا منصوب از قبل او، اجرا نماید و احدی از

^{۲۸} صحیفه امام، ج ۱۸، ص: ۲۴۲.

اعضای دولت و قوای انتظامی حق مزاحمت با متصدیان این اداره ندارند. و در اجرای حکم و حدود الهی احدی مستثنی نیست حتی اگر خدای نخواستہ رهبر انقلاب یا رئیس دولت مرتکب چیزی شد که موجب حد شرعی است باید در مورد او اجرا شود.^{۲۹}

بحث تاریخی این سازمان از شهید مطهری

شهید مطهری پیرامون این سازمان و مبحث آن در تاریخ اسلام بحث مفصلی را بیان می‌کنند که خلاصه‌ای از آن به شرح زیر است:

در حدود هزار سال پیش تقریباً، این اصل (امر به معروف و نهی از منکر) در جامعه اسلامی و حکومت اسلامی دایره [سازمان] و تشکیلاتی به وجود آورده که در تاریخ اسلام آن دایره، دایره حسبه یا احتساب نامیده می‌شود و قرن‌ها ادامه یافت. من تاریخ دقیق پیدایش دایره حسبه را نمی‌دانم که از چه زمانی پیدا شده و به این نام نامیده شده، ولی قدر مسلم این است و شواهد تاریخی دلالت می‌کند که در قرن چهارم بوده است و علی الظاهر در قرن سوم پیدا شده باشد. این دایره به عنوان "امر به معروف و نهی از منکر" درست شده و پایه دینی داشته و از شئون حکومت بوده است، همان طوری که تشکیلات و دوایر

^{۲۹} صحیفه امام، ج ۹، ص: ۲۱۳.

دیگری وجود داشته مثل دایرهٔ قضاء- که این هم تاریخچه‌ای دارد و از زمان خلیفهٔ دوم امر قضاء را شخص دیگر غیر از شخص خلیفه با فرمان خلیفه عهده‌دار شد و تدریجاً توسعه پیدا کرد تا در عهد هارون وسیلهٔ ابویوسف شاگرد ابوحنیفه تشکیلات نسبتاً منظمی پیدا کرد و خود ابویوسف به عنوان قاضی القضاة در رأس تشکیلات قضائی قرار گرفت- و همچنین دایرهٔ دیگری بوده به نام « دیوان مظالم» که علی الظاهر کار شهربانی را انجام می‌داده، و همچنین دوایر و مناصب زیادی از قبیل نقابت و غیره که در تواریخ مضبوط است. تمام این دوایر به نحوی وابسته به دستگاه خلافت و حکومت بوده است.

به هر حال دایرهٔ حسبه همان دایرهٔ "امر به معروف و نهی از منکر" بوده و رنگ و صبغه دینی داشته. محتسین و مخصوصاً آنان که در رأس دایره حسبه بوده می‌بایست هم عالم و مطلع باشند و هم با ورع و تقوا و امانت، و یک نوع احترام دینی در میان مردم داشته باشند...

هرچند حسبه و احتساب از آن نظر که وابسته به دستگاه حکومت و خلافت بوده نمی‌توانسته کاملاً اسلامی باشد، اما نظر به اینکه خواستهٔ مردم در مورد اجرای احکام و مقررات اسلامی آن را به وجود آورده بود، نسبتاً دایرهٔ مفید و ثمربخشی بوده

است و حتی کتاب‌های بسیار خوب و نفیس در موضوع حاسبه و وظایف محتسب نوشته شده است...

مثلاً آنها بودند که با روزه خواری و میخواری و تظاهر و تجاهر به فسق مبارزه می‌کردند. بسیاری از کارها و وظایف آن روز محتسبین، امروز بکلی به زمین مانده است و هیچ کس انجام نمی‌دهد، مثل نظارت بر مساجد و منابر که مثلاً واعظ حدیث دروغی نخواند، مردم را به بدعتی دعوت نکند، یا خودآرایی در منبر نکند و نخواهد از زنان دلربایی کند. این کارها چون وظیفه سازمان روحانیت است و مستقیماً ربطی به کارهای حکومت و دولت ندارد بکلی متروک و زمین مانده است. غرض این است که آن طوری که جرجی زیدان می‌گوید که دایره احتساب همان کارهایی که شهرداری‌های امروز انجام می‌دهند انجام می‌داده درست نیست؛ دایره احتساب چون اساس و ریشه‌اش همان اصل مقدس امر به معروف و نهی از منکر بوده اختصاص به عملیات شهرداری نداشته است. نکته‌ای که اینجا هست این است که در عین اینکه دایره احتساب یک دایره رسمی وابسته به خلافت و حکومت بوده و وظایف خود را انجام می‌داده است نه این است که سایر مردم دیگر برای خود وظیفه و تکلیفی قائل نبوده‌اند. قبلاً عرض کردم و از کلام فقها نقل کردم که امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد و تنها آنجا که پای اعمال زور و حبس

و زدن و حتی کشتن است از وظیفه عموم خارج است و وظیفه حاکم اسلامی است، و اما سایر مراتب از تذکر دادن و موعظه کردن و در موقعی اعراض و قطع رابطه کردن و امثال اینها وظیفه فرد فرد مسلمانان است و در قدیم هم هر فردی وظیفه حتمی خود می‌دانسته که به اندازه قدرت و توانایی خود در اصلاحات امور مسلمین شرکت کند. نکته دیگر اینکه دایره وسیع احتساب که امروز جانشین ندارد چون مبنا و پایه دینی و رنگ و صبغه مذهبی داشته و مردم وظیفه شرعی خود می‌دانسته‌اند که آن را کمک کنند و تقویت نمایند قهراً در انتخاب افراد و اشخاص رعایت تقوا و ورع می‌شده و مردم احترام دینی برای آنها قائل بوده‌اند. نکته دیگر اینکه مطالعه تاریخ حسبه و احتساب معلوم می‌کند که در سابق شعاع دید مسلمین امتداد بیشتری داشته و امر به معروف و نهی از منکر را محدود نکرده بودند به چهارتا مسئله عبادات، بلکه این اصل را عملاً ضامن همه اصلاحات اخلاقی و اجتماعی خود می‌دانسته‌اند...

من نمی‌گویم که آنچه در گذشته به نام دایره حسبه بوده یک چیز بی‌عیب و نقصی بوده و منظور شارع اسلام را کاملاً تأمین می‌کرده؛ من گذشته را با امروز مقایسه می‌کنم و می‌بینم که چقدر ما عقب رفته‌ایم. امروز گذشته از اینکه چنین قدرتی به

هیچ شکلی برای امر به معروف و نهی از منکر وجود ندارد، اساساً آنچه بیشتر جای تأسف است این است که این فکرها بکلی از دماغ مسلمان خارج شده، آن چیزهایی را که آن روز جزء وظیفه حسبه می دانسته‌اند و به نام حسبه و امر به معروف و نهی از منکر امور اجتماعی خود را اصلاح می کردند اساساً جزء امور دینی شمرده نمی شود و اگر احیاناً کسی به فکر امر به معروف و نهی از منکر بیفتد فکر نمی کند که آن اصلاحات هم جزء این وظیفه و تکلیف است، یعنی معروف و منکر آن معنای وسیع خود را از دست داده و محدود شده‌اند به یک سلسله مسائل عبادی که بدبختانه آن هم عملی نمی شود. اگر در منطق اسلام امر به معروف و نهی از منکر آن اندازه توسعه نمی داشت، به ما نمی گفتند که: «بِهَا تَقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَحُلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تَرُدُّ الْمَظَالِمَ وَ تَعْمُرُ الْأَرْضَ وَ يَنْتَصِفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ»^{۳۰}، زیرا این فکر کوچک و محدود که فعلاً در

^{۳۰} قطعاً امر به معروف و نهی از منکر راه انبیاء و چراغ صالحان و واجبی عظیم است که به واسطه آن واجبات برپا می شوند و روش های دین از بدعت ها حفظ می شود و درآمدهای مردم حلال می شود و ظلم ها کنار می رود، زمین آباد و از دشمنان گرفته می شود و امر دین و دنیا با ثبات می گردد.

«إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَاجُ الصُّلَحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تَقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَحُلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تَرُدُّ الْمَظَالِمَ وَ تَعْمُرُ

مغز ماها به نام امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد هر اندازه هم که لباس عمل بپوشد ممکن نیست اینهمه آثار نیک به بار آورد. و چون فکر امر به معروف و نهی از منکر در نظر مردم محدود شده و مردم از جنبه امر به معروف و نهی از منکر توجهی به اصلاحات امور زندگی اجتماعی خود ندارند نتیجه این شده که اگر احیاناً شهرداری مثلاً یک قدم اصلاحی در مورد ارزاق و خواربار بخواند بردارد و یا یک قدم در مورد نظافت شهر بخواند بردارد، بخوانند جلوی گرانفروشی را بگیرند و یا اینکه بخوانند مقررات خوبی برای عبور و مرور اتومبیل‌ها معین کنند، مردم احساس نمی‌کنند که پای یک امر مذهبی در میان است، زیرا حس نمی‌کنند که این هم از جنبه دینی یک وظیفه است؛ و حال آنکه به قول صاحب جواهر: به هر وسیله و هر طریق هست باید کاری کرد که معروف تقویت و منکر ریشه کن شود. علت اینکه مردم فعلاً در این کارها کوتاهی می‌کنند

الأَرْضُ وَ يَنْتَصِفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ» کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق،
الکافی (ط - الإسلامية)، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ: چهارم،
۱۴۰۷ ق؛ ۵ ج؛ ۵۶ ص.

این است که این امور را از دایره معروف و منکر خارج کرده‌اند...^{۳۱}

وظیفه علما در امر به معروف و نهی از منکر

حضرت امام در شرح خود بر خطبه منی امام حسین (علیه السلام) در سلسه بحث‌های ولایت فقیه، به بحث امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از وظایف اصلی روحانیت اشاره می‌فرمایند:

اگر امر به معروف و نهی از منکر انجام بگیرد و در جامعه برقرار شود، همه واجبات، از آسان گرفته تا مشکل، همگی برقرار خواهد شد...

حضرت با استشهاد به آیه «لولا ینهاهم الربانیون...»^{۳۲} دو نکته را گوشزد فرموده است: اینکه سهل انگاری علما در وظایف ضررش بیش از کوتاهی دیگران در انجام همان وظایف مشترک است. چنانکه هرگاه یک بازاری کار خلافی بکند، ضررش به خود او می‌رسد؛ لیکن اگر علما در وظیفه کوتاهی کردند، مثلا در برابر ستمگران سکوت نمودند، ضررش متوجه اسلام

^{۳۱} مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۰ کتاب "ده گفتار"، حسیه و احتساب در تاریخ اسلام ص: ۱۹۱.

^{۳۲} لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَ أَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (۶۳ المائدة) چرا روحانیون و دانشمندان، آنان را از گفتار گناه [آلود] و حرامخوارگی‌شان باز نمی‌دارند؟ راستی چه بد است آنچه انجام می‌دادند.

می‌شود. و اگر به وظیفه عمل کردند و آنجا که باید صحبت کنند سکوت نکردند، نفع آن برای اسلام است. با اینکه باید از همهٔ اموری که مخالف شرع است نهی کرد، روی «قول اثم»، یعنی دروغ‌پردازی و «اکل سحت»، یعنی حرامخوری تکیه کرده است تا بفهماند که این دو «منکر» از همهٔ منکرات خطرناکتر است؛ و بایستی بیشتر مورد مخالفت و مبارزه قرار گیرد. چون گاهی گفتار و تبلیغات دستگاه‌های ستمگر بیش از کردار و سیاستشان برای اسلام و مسلمین ضرر دارد؛ و غالباً حیثیت اسلام و مسلمین را به مخاطره می‌اندازد. خداوند نکوهش می‌کند که چرا از گفتار نادرست و تبلیغات گناهکارانه ستمکاران جلوگیری نکردند؟ چرا آن مردی را که ادعا کرد من «خليفة الله» هستم و آلت مشیت الهی هستم، و احکام خدا همین گونه است که من اجرا می‌کنم، عدالت اسلامی همین است که من می‌گویم و اجرا می‌کنم (در صورتی که اصولاً عدالت سرش نمی‌شد) تکذیب نکردند؟ این گونه سخنان «قول اثم» است. این حرف‌های گناهکارانه را که ضرر زیادی برای جامعه دارد، چرا جلوگیری نکردند؟ ظلمه را که حرف‌های نامربوط زدند، خیانت‌ها مرتکب شدند، بدعت‌ها در اسلام گذاشتند، ضربه به اسلام زدند، چرا نهی نکردند و از این گناهان بازداشتند؟ اگر کسی احکام را آن طور که خدا راضی

نیست تفسیر کرد، بدعتی در اسلام گذاشت به اسم اینکه عدل اسلامی چنین اقتضا می‌کند، احکام خلاف اسلام اجرا کرد، بر علما واجب است که اظهار مخالفت کنند. هرگاه اظهار مخالفت نکنند، مورد لعن خدا قرار می‌گیرند. و این از آیه شریفه پیداست، و نیز در حدیث است که «إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ، فَلِلْعَالَمِ أَنْ يُظْهَرَ عِلْمُهُ؛ وَ إِلَّا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ» چون بدعت‌ها پدید آید، بر عالم واجب است که علم (دین) خویش را اظهار کند؛ و گر نه لعنت خدا بر او خواهد بود. خود اظهار مخالفت و بیان تعالیم و احکام خدا، که مخالف بدعت و ظلم و گناه می‌باشد، مفید است؛ چون سبب می‌شود عامه مردم به فساد اجتماعی و مظالم حکام خائن و فاسق یا بی‌دین پی برده، به مبارزه برخیزند؛ و از همکاری با ستمکاران خودداری نمایند؛ و به عدم اطاعت در برابر قدرت‌های حاکمه فاسد و خائن دست بزنند. اظهار مخالفت علمای دینی در چنین مواردی یک «نهی از منکر» از طرف رهبری دینی جامعه است، که موجبی از «نهی از منکر» و یک نهضت مخالفت و «نهی از منکر» را به دنبال می‌آورد. نهضتی را به دنبال می‌آورد که همه مردم دیندار و غیرتمند در آن شرکت دارند. نهضتی که اگر حکام ستمکار و منحرف به آن تسلیم نشوند و به صراط مستقیم رویه اسلامی تبعیت از احکام الهی باز نیابند و بخواهند با قدرت اسلحه آن را ساکت کنند،

در حقیقت به تجاوز مسلحانه دست زده و «فنه باغیه» خواهند بود؛ و بر مسلمانان است که به جهاد مسلحانه با «فنه باغیه»، یعنی حکام تجاوزکار، بپردازند تا سیاست جامعه و رویه حکومت کنندگان مطابق با اصول و احکام اسلام باشد...

از آنجا که دایره فکر عده‌ای از دایره همین مسجد تجاوز نمی‌کند و جولان و گسترش ندارد، وقتی گفته می‌شود «اکل سحت»، یعنی حرامخواری فقط بقال سر کوجه به نظرشان می‌آید که، "العیاذ بالله"، کم فروشی می‌کند! دیگر آن دایره بزرگ حرامخواری و غارتگری به نظر نمی‌آید که یک سرمایه بزرگ را می‌بلعد؛ بیت المال را اختلاس می‌کنند؛ نفت ما را می‌خورند؛ به نام نمایندگی کمپانی‌های خارجی کشور ما را بازار فروش کالاهای گران و غیر ضروری بیگانه می‌کنند، و از این راه پول مردم را به جیب خود و سرمایه داران بیگانه می‌ریزند. نفت ما را چند دولت بیگانه پس از استخراج برای خود می‌برند و مقدار ناچیزی هم که به هیأت حاکمه همدست خودشان می‌دهند، از طرق دیگر به جیب خودشان بر می‌گردد. و اندکی که به صندوق دولت می‌ریزد، خدا می‌داند صرف کجا می‌شود. این یک «اکل سحت» و حرامخواری در مقیاس وسیع و در مقیاس بین المللی است «منکر» وحشتناک و خطرناکترین منکرات همین است. شما اوضاع جامعه و کارهای دولت و

دستگاه‌ها را دقیقاً مطالعه کنید تا معلوم شود چه «اکل سحت»های وحشتناکی صورت می‌گیرد. اگر زلزله‌ای در گوشه کشور رخ دهد، یک راه درآمد و حرامخواری به روی سودجویان حاکم بازمی‌گردد تا به نام زلزله‌زدگان جیب خودشان را پر کنند. در قراردادهایی که حکام ستمکار و ضد ملی با دولت‌ها یا شرکت‌های خارجی می‌بندند، میلیون‌ها از پول ملت را به جیب می‌زنند؛ و میلیون‌ها از پول ملت را عاید خارجیان و اربابان خود می‌کنند. اینها جریانات سیل‌آسایی از حرام‌خوری است که پیش چشم ما صورت می‌گیرد؛ و هنوز ادامه دارد؛ چه در تجارت خارجی، و چه در به اصطلاح قراردادهایی که برای استخراج معادن یا بهره‌برداری از جنگل‌ها و سایر منابع طبیعی بسته می‌شود؛ یا برای کارهای ساختمانی و راه‌سازی؛ یا خرید اسلحه از استعمارگران غربی و استعمارگران کمونیست. ما باید جلو این غارتگری‌ها و حرامخواری‌ها را بگیریم. همهٔ مردم موظف به این کار هستند؛ ولی علمای دینی وظیفه‌شان سنگینتر و مهمتر است. ما باید پیش از سایر افراد مسلمان به این جهاد مقدس و این وظیفه خطیر اقدام کنیم. ما به خاطر مقام و موقعیتی که داریم بایستی پیشقدم باشیم. اگر امروز قدرت نداریم که جلو این کارها را بگیریم و حرامخواران و خائنین به ملت و دزدان مقتدر و حاکم را به کیفر برسانیم،

باید کوشش کنیم این قدرت را به دست بیاوریم. و در عین حال، به عنوان حداقل انجام وظیفه، از اظهار حقایق و افشای حرامخوری‌ها و دروغ‌پردازیها کوتاهی نکنیم. وقتی قدرت به دست آوردیم، نه تنها سیاست و اقتصاد و اداره کشور را درست می‌کنیم؛ بلکه حرام‌خورها و دروغ‌پردازها را شلاق می‌زنیم و به کیفر می‌رسانیم.^{۳۳}

عمده وظیفه امر به معروف و نهی از منکر

حضرت امام(ره) در باب اینکه عمده وظیفه امر به معروف در چه بای است می‌فرمایند:

^{۳۳} ولایت فقیه(حکومت اسلامی)، متن، ص: ۱۰۷.

در واقع امر به معروف و نهی از منکر سه حالت دارد:

- یک مورد نظارت و امر به معروف و نهی از منکر مردم بر مردم؛
- دیگری نظارت و امر به معروف دولت نسبت مردم؛
- و سومی نظارت مردم بر دولت است که عده‌ای معتقدند مجلس و انتخابات‌های مختلف این کار را انجام می‌دهند اما متأسفانه این الگو معمولاً به وسیله پروپاگاندهای رسانه‌ای به نظارتی ناقص و یا حتی فاسد منتهی گریده است و اشکالاتی از قبیل موارد ذیل را با خود همراه دارد: عدم علم منتخبین مردم برای ورود کارشناسی در حل مسائل، وابستگی‌های جناحی یا اعمال نفوذهای دولت بر نمایندگان به طرق مختلف و یا تلاش منتخبین مردم برای انجام اقدامات یوپولیستی.

اگر امر به معروف و نهی از منکر به خوبی اجرا شود، دیگر فرایض قهراً برپا خواهد شد. اگر امر به معروف و نهی از منکر اجرا شود، ظلمه و عمالشان نمی‌توانند اموال مردم را بگیرند، و به میل خود صرف کنند؛ و مالیاتهای مردم را تلف نمایند. آمر به معروف و ناهی از منکر دعوت به اسلام و رد مظالم و مخالفت با ظالم می‌کند. عمده وجوب امر به معروف و نهی از منکر برای این امور است. ما امر به معروف و نهی از منکر را در دایره کوچکی قرار داده، و به مواردی که ضررش برای خود افرادی است که مرتکب می‌شوند، یا ترک می‌کنند، محصور ساخته‌ایم در اذهان ما فرو رفته که «منکرات» فقط همین‌هایی هستند که هر روز می‌بینیم یا می‌شنویم. مثلاً اگر در اتوبوس نشسته‌ایم، موسیقی گرفتند، یا فلان قهوه خانه کار خلافی را مرتکب شد، یا در وسط بازار کسی روزه خورد، منکرات می‌باشند، و باید از آن نهی کرد. ولی به آن منکرات بزرگ توجه نداریم. آن مردمی را که دارند حیثیت اسلام را از بین می‌برند، حقوق ضعفا را پایمال می‌کنند و...

امر به معروف و نهی از منکر برای این امور مهم است. آن عطار بیچاره اگر کار خلافی کرد، ضرری به اسلام نمی‌زند؛ به خودش ضرر می‌زند. آنهایی را که به اسلام ضرر می‌زنند باید

بیشتر امر به معروف و نهی از منکر کرد. آنهایی را که به عناوین مختلف هستی مردم را غارت می کنند باید نهی کرد.^{۳۴}

عدم تشکیل سازمان امر به معروف و نهی از منکر

با وجود حکم صریح حضرت امام(ره) با وجود مشکلات عدیده ابتدای انقلاب و عدم اراده انقلابی دولت بازرگان، نهاد "امر به معروف و نهی از منکر" تشکیل نگردید. سید احمد خمینی در سال ۱۳۷۲ ش پیرامون این حکم زمین مانده از حضرت امام می فرمایند:

این حکم چندی بعد از پیروزی انقلاب از طرف امام صادر شد و به محض اینکه شایع شد امام چنین حکمی صادر نموده اند از طرف شورای انقلاب و دولت موقت آمدند و با بیان دو علت به هر وسیله ای بود جلو آن را گرفتند.

دلیل اول اینکه هنوز تشکیلاتی برای به اجرا در آوردن حکم نیست و دلیل دوم اینکه هرج و مرج می شود و هر کسی هر فردی را به محکمه می برد و یا روحانیون شهرها که وارد هم نیستند دخالت می کنند.

امام اگر چه به هیچ وجه قبول نداشتند اما بالاخره قبول کردند. بعدها معلوم شد اگر این حکم به اجرا گذاشته می شد با توجه به جو انقلابی می توانستیم جلو خیلی از کارها را بگیریم و به عقیده

^{۳۴} ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، ص: ۱۲۲ و سایر مؤیدات، ص: ۱۰۶.

من دولت موقت از اینکه به محاکم کشیده شوند هراس
داشت.^{۳۵}

بعد از این ماجرا و شکل نگرفتن این نهاد، حضرت امام دیگر بحث آن
را مطرح نمی‌کنند و در همه سخنرانی‌هایشان وظیفه امر به معروف و نهی
از منکر را به عنوان وظیفه‌ای همگانی مطرح می‌نمایند.

حال سوال این است که آیا امروز وقت آن نرسیده است که این رسالت
روحانیت در نظارت بر بخش‌های مختلف حکومت به صورت مستقل
محقق گردد؟ آیا بهتر نیست که روحانیت عوض قرار گرفتن در مقابل
عموم برای توجیه برخی مشکلات، به مطالبه‌گری به عنوان مدعی العموم
مبادرت ورزد؟

آیا حوزه امروز، مجتهدین متخصص در امور مختلف تربیت نموده است
تا بتوانند بر اجرای اسلامی و عادلانه امور مختلف نظارت داشته باشند و
به صورت تخصصی مطالبه‌گر دولت و سایر نهادها در زمینه‌های
مختلف باشند و بتوانند طرح‌های پیشنهادی خود را از سوی این دایره به
مجلس ارائه کنند؟

^{۳۵} خاطرات حاج احمد در پاورقی، صحیفه امام، ج ۹، ص: ۲۱۳.

و البته نباید به رویکرد این نهاد تنها از جهت نهی از منکر نگاه شود، بلکه امر به معروف و مطرح ساختن نقاط قوت و مورد تحسین یکی دیگر از وظایف اصلی این نهاد است.^{۳۶}

^{۳۶} جهت ارائه نظرات خود پیرامون مباحث این جزوه می‌توانید در فضای مجازی به شماره اینجانب (حمیدرضا باقری) ۰۹۳۰۲۲۱۰۷۱۷ پیام دهید.